



بنیادهای اصول نظری هنر و عرفان اسلامی و رابطه آندو

عباس عباس زاده^۱

حمد خدائی را که خالق زیبایی است و همچون نقاشی چیره دست و توانا بر صحیفه‌ی دهر صورتگری کرده است و همگان را به تماشای آن و فهم و تقلید از آن فرا خوانده است چه عارف باشد و چه هنرمند.

هنر و عرفان اسلامی مبتنی بر بنیادها و اصول نظری خاصی است که بدون اثبات و پذیرش آنها جایی برای طرح هنر و عرفان اسلامی باقی نمی ماند. از جمله؛ انسان شناسی و خدا شناسی و جامعه شناسی عارف و هنرمند است که باید بدانند انسان، ترکیبی از جسم و جان است و جان اصول هویت وی را تشکیل می‌دهد و همه چیز از خدا و به سوی خداست و در این بین، برای تضمین بقاء خود از توازن، تعادل و تقارن بهره مند است و به همین خاطر همه عالم علاوه بر اینکه نشانه‌ای از خداست؛ بلکه تسبیح گوی او نیز هست و هنرمند و عارف به دنبال درک و فهم عالم هستند؛ هرچند تشابه‌ها و تفاوت‌هایی باهم دارند که در این مقال به آن نیز خواهیم پرداخت تا با بیان آن، هر دو را بهتر و بیشتر بشناسیم. و ما در این مقاله در صدیم تعریفی از قاب هنر و عرفان ارائه کرده و بنیادهای اصول نظری هنر و عرفان اسلامی را تبیین کرده و آنگاه به بیان رابطه هنر و عرفان پرداخته و در پایان به ضرورت هنرمند شدن عارف و عارف بودن هنرمند اشاره‌ای داشته باشیم.

واژگان کلیدی: هنر، عرفان، آفرینش، تجلی، حسن.